

متن پیاده سازی شده جلسه بیست و هفتم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 29 آبان 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که در صدد بیان طرفداران حجیت خبر واحد بودیم و کلام شیخ طوسی را نقل کردیم. جلسه قبل ما به نکته ای اشاره کردیم و آن نکته این بود که امام صادق علیه السلام می فرماید اگر در حوادث روایتی از ما نیافتید ببینید اهل سنت در این مساله چه روایتی دارند و به آن روایت عمل کنید؛ مرحوم شیخ طوسی از این روایت اینگونه برداشت کرد که اگر اهل سنت مورد اطمینان باشند می شود به روایات آنها عمل کرد. استاد علیدوست: ما گفتیم که از این روایت فهمیده نمی شود که روایات راویان اهل سنت را بپذیریم بلکه روایت سنت تقریری را بیان می کند؛ ضمناً این مساله در مورد روایات پیغمبر اکرم صلی الله علیه نیز جاری است چرا که بسیاری از روایات را اهل سنت دارند و ما نداریم و می شود در این مورد هم سنت تقریری را مطرح کرد. در روایت داریم ان الله اذا حرم اکل شیئاً حرم ثمنه ... این روایت را ما در شیعه نداریم و فقط شیخ طوسی در کتاب فقهی خلاف ذکر می کند اما این روایت در مسند احمد بن حنبل از پیامبر با سلسله سند ذکر شده است اگر ائمه علیهم السلام با این روایت مخالفت نکرده باشند می شود از باب سنت تقریری پذیرفت. نکته: البته اگر بحث تقیه پیش بیاید بحث متفاوت خواهد شد و بحث خاص خودش را دارد؛ تقیه هم یک دانش است و بحث مفصل خودش را دارد. اگر بدانیم که متون فقهی اهل سنت از منابع معتبر (مثل روایات) گرفته شده است در این صورت هم سنت تقریری این فرض را هم شامل است. نکته: در دوران منصور دوانقی تقیه مطرح بود و منصور گفته بود کسی در مسائل حج فتوا ندهد الا ابن ماجه و انس بن مالک و لذا در این بستر تقیه معنا پیدا می کند اما اینکه بگوییم در تمامی احکام امکان تقیه وجود دارد کلام صحیحی نیست.

جمع بندی بین کلام موافقین و مخالفین حجت خبر واحد

از کلمات موافق و مخالف حجیت خبر واحد معلوم می شود که امثال سید، ابن ادریس و ابن زهره این است که رسماً گویند ما احتیاج به خبر واحد نداریم و می دانیم که قرآن، سنت متواتر، اجماع و عقل را داریم و لذا دیگر نیازی نیست که به خبر واحد تکیه کنیم اما در مقابل شیخ طوسی می فرماید: مگر چقدر قرآن آیات الاحکام دارد (خیلی از احکام از صریح آیات قرآن و فحوی آیات بر نمی آید) اما سنت متواتر، ما چقدر سنت قطعی داریم؟ اجماع هم غالباً مخالف دارد و عقل هم قابل اعتماد نیست (مراد از عقل همان عقلی است که برائت و احتیاط را اثبات می کند) چرا که با اجرای برائت بسیاری از احکام تعطیل می شود؛ مثلاً در بحث دیات معتبره ظریف وجود دارد که خبر واحد است و بسیاری از احکام را با آن اثبات می کنیم و اگر بخواهیم در مسائل دیات به برائت رجوع کنیم بسیاری از احکام تعطیل می شود.

نکته: مرحوم سید مرتضی وقتی می خواهد گزارش دهد می فرماید عمل به خبر واحد در بین امامیه ناهنجار است و مانند عمل به قیاس است و عمل نکردن به خبر واحد از شعارهای شیعه است؛ و روات هم برای ثبت کردن و ضبط کردن روایات اخبار آحاد را در کتب نقل می کردند اما در مقابل شیخ طوسی، دلیل حجیت خبر واحد را اجماع فرض کرد و اجماع را به سیره صادقین و پیامبر علیهم السلام برگردانند.

استاد علیدوست: به نظر بنده اینکه بگوییم عمل به خبر واحد مثل عمل به قیاس بوده است این کلام درست نیست اما به محضر شیخ طوسی هم عرض می کنیم ما کدام اجماع را در مورد حجیت خبر واحد داریم؛ مخالفینی مثل سید مرتضی، ابن زهره و...

اجماع را به هم می زنند.

نکته آخر: ما گفتیم که خبر اگر قرینه قطعیه داشته باشد از محل بحث خارج است فقط این نسبت را می توان به ابن زهره با توجه به عبارتش داد ( البته ما چنین نسبتی نمی دهیم ) مرحوم شیخ طوسی در سه یا چهار صفحه قرینه های را که خبر واحد را قطعی می کند را بیان می دارد که عبارت است از

1: موافقت قرآن

2: موافقت سنت

3: موافق اجماع

4 : موافق درک عقل باشد .

اما اگر مخالفت قرآن، سنت و اجماع باشد در این جا قرینه بر عدم قبول خبر واحد می شود.

**و الحمد لله رب العالمین**